

# نگاهی کوتاه به توسعه اقتصادی آذربایجان

آراز آذرلی  
arazazarly@yahoo.com

## چکیده:

توسعه اقتصادی مفهومی است که امروزه تمام کشورهای جهان درگیر آن می‌باشند و تمام برنامه های اقتصادی و سیاسی، در جهت توسعه و رشد اقتصادی تدوین می‌شوند تا بتوانند با توسعه و رشد اقتصادی، رفاه مردم را افزایش دهند. کشور ایران نیز مانند سایر کشورهای جهان در تکاپوی رسیدن به توسعه و رشد اقتصادی می‌باشد. هدف ما از این مقاله، بررسی اجمالی در مورد توسعه آذربایجان در چارچوب سیاستهای توسعه ایران می‌باشد.

## ۱- مقدمه

رشد اقتصادی یک کشور به افزایش کمی و مداوم در تولید یا درآمد سرانه آن کشور از طریق ارتباط با افزایش در نیروی کار، مصرف سرمایه و حجم تجارت اطلاق می‌شود. از سویی دیگر، توسعه اقتصادی مفهوم گسترده تری نسبت به رشد اقتصادی دارد.

توسعه اقتصادی حاوی تغییرات کیفی در خواستههای اقتصادی، نوع تولید، لگیزه‌ها و سازمان تولید است. اغلب عوامل تعیین کننده رشد اقتصادی در توسعه اقتصادی نیز می‌گنجد. عواملی چون تغییرات تکنولوژیکی و زیر بنایی. در حقیقت، توسعه اقتصادی شامل رشد و عدم رشد اقتصادی است

اقتصاد یک کشور ممکن است رشد کند بدون آنکه توسعه یابد. برای اندازه گیری توسعه اقتصادی، معمولاً از درآمد ناخالص سرانه ملی و رفاه اقتصادی و یا از مشخص کننده های اجتماعی استفاده می‌شود. تولید ناخالص ملی سرانه عبارت است از ارزش کل کالاها و خدمات تولید شده در داخل مرزهای جغرافیایی یک کشور، تقسیم بر کل جمعیت در یک دوره معین. از این رو، بعضی از اقتصاددانان توسعه، توسعه را روندی میدانند که در آن درآمد حقیقی سرانه در بلند مدت افزایش می‌یابد. با این حال، افزایش درآمد سرانه ممکن است تأثیری بر افزایش استاندارد واقعی زندگی توده های مردم نداشته باشد. ممکن است در حالی که درآمد سرانه واقعی در حال ازدیاد است، مصرف سرانه واقعی کاهش یابد. به عبارت دیگر،

ممکن است به علت توزیع ناعادلانه ثروت و دارایی، تنها میزان پس انداز افزایش یابد یا اینکه دولت از درآمدهای افزایش یافته جهت گسترش ارتش و نظامی گری استفاده کند. کشورهای حاشیه خلیج فارس به برکت صادرات نفت، دارای درآمد سرانه بالایی هستند، اما در شمار کشورهای توسعه یافته به حساب نمی آیند. بنابراین، این ملاک به تنهایی نمی تواند معیار خوبی برای بررسی توسعه یافتگی باشد.

معیار دیگر اندازه گیری توسعه اقتصادی، اندازه گیری رفاه اقتصادی است. توسعه اقتصادی جریانی است که در آن میزان مصرف کالا و خدمات فردی افزایش می یابد. به نظر اکنون ریچاردسون، توسعه اقتصادی عبارت است از بهبود مداوم و نسبی در شرایط زندگی لسانه که از دید ارزش گذاری شامل افزایش در مصرف کالا و خدمات می شود. این مشخص کننده نیز دارای یکسری محدودیتهاست. اولین محدودیت آن، تعیین معیارهایی برای اندازه گیری مصرف فردی است.

معایب موجود در اندازه گیری درآمد سرانه ملی و درآمد ناخالص ملی، به عنوان معیار مشخص کننده توسعه یا رشد اقتصادی، گروهی از اقتصاددانان را بر آن داشت که درصد استفاده از مشخص کننده های اجتماعی برای تعیین توسعه اقتصادی برآیند. معیارهای اجتماعی عبارتند از: بهداشت و تغذیه و فقر غذایی، سطح سواد، تسهیلات زندگی روزمره، پوشاک، گسترش قوه ابتکار، تفریحات سالم و امنیت اجتماعی و ... . همچنانکه ملاحظه میشود تمام این معیارها بر تغییرات کیفی در روند توسعه اقتصادی تأکید دارند. موریس از سه مشخص کننده اجتماعی یعنی امید به زندگی در بدو تولد، مرگ و میر اطفال و نرخ بیسوادی در بنا کردن شاخص فیزیکی - کیفی زندگی استفاده کرده است. اما در بررسی میزان توسعه یک کشور یا منطقه، این شاخصها را با هم در نظر میگیرند. حال با توجه به ملاکها و معیارهای بیان شده در بالا، بررسی مختصری در مورد توسعه اقتصادی آذربایجان ارائه می شود:

## ۲- تولید ملی و سرانه

طبق مطالعاتی که دکتر ایمانی را انجام داده است، همواره تولید ملی آذربایجان کمتر از میزان متوسط کشور می باشد. به طوری که در سال ۱۳۴۵ تولید ملی آذربایجان ۶۰ درصد متوسط تولید ملی کشور بوده، در سال ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ به ترتیب ۶۵ درصد و ۹۵ درصد از متوسط تولید کشور می باشد. اگر بخواهیم جهانی بحث کنیم و درآمد ملی آذربایجان را بصورت مستقل با کشورهای دیگر مقایسه کنیم، در طبقه بندی میزان درآمد سرانه، آذربایجان در ردیف کشورهای آفریقایی قرار می گیرد. و اگر تولید سرانه استانهای پیشرفته را در نظر بگیریم، در سال ۱۳۶۵ استان تهران مقام اول را دارد و رتبه دوم از آن استان مرکزی است. در آن طبقه بندی، آذربایجان شرقی در رتبه دهم قرار دارد.

### ۳- معیارهای اجتماعی

#### ۳-۱- راههای ارتباطی

##### ۳-۲- برق

##### ۳-۳- آب

##### ۳-۴- انرژی فسیلی

##### ۳-۵- میزان سواد و فرهنگ

##### ۳-۶- میزان طول عمر

##### ۳-۷- فقر غذایی

#### ۳-۱- راههای ارتباطی

۷/۹۵ درصد از کل جمعیت کشور در استانهای آذربایجان شرقی و اردبیل قرار دارد و از نظر موقعیت جغرافیایی با چهار کشور در ارتباط می باشند. بنابراین، باید به وضعیت شبکه حمل و نقل این استانها رسیدگی شود. زیرا چه از نظر بازرگانی و چه از نظر رفاهی این موضوع حائز اهمیت می باشد. تراکم متوسط راه در سطح کشور از ۵/۶ در سال ۵۸ به حدود ۱۰/۱۴ در سال ۱۳۶۲ رسیده است. در حالی که تراکم راه استان آذربایجان شرقی از ۴/۵ به حدود ۱۱ ارتقاء یافته است. افزایش تراکم راههای نسبی استان بیشتر راههای روستایی می باشد. در این استان تنها ۶/۶ درصد از آن آزادراهها را تشکیل می دهند. در حالیکه بیشتر راههای استان از نظر اصولی استاندارد نبوده، در برخی موارد اهمال دولت در راه اندازی طرحهای حمل و نقل در استان دیده می شود. نمونه آن پل شهید کلاتری و بزرگراه تبریز - زنجان می باشد که افتتاح و راه اندازی این مسیر، باری بزرگ را از دوش مشکلات حمل و نقل استان خواهد برداشت.

##### ۳-۲- برق

برق تولید شده در استان در سال ۷۰ معادل ۷/۸ درصد تولید کشور بوده است. اما میزان برق مصرفی سرانه، ۴/۴ درصد کل کشور می باشد. ترکیب مصرف استان در سال ۱۳۷۰ نکات دیگری را نیز نشان می دهد. در سطح استان، سهم بخش صنعت از برق مصرفی، ۱۷/۱۶ درصد، بخش کشاورزی ۶/۳ درصد و سایر مصارف ۷۶/۱ درصد است. ارقام مشابه در سطح کشور،

برای صنعت ۲۰/۶ درصد بخش کشاورزی ۶/۳ درصد و بقیه مصارف ۷۰/۷ درصد می‌باشد. علاوه بر سهم کم مصرف برق استان، ترکیب مصرف آن نیز نامطلوب است. که نشان می‌دهد بخش تولیدی سهم کمتری در مصرف برق دارد که این نیز حاکی از بلفت سنتی تولید است.

### ۳-۳- آب

یکی از شاخصهای توسعه یافتگی از نظر سازمان ملل، دسترسی به آب بهداشتی و آب مورد مصرف کشاورزان می‌باشد. ظرفیت تولید آب در نقاط شهری توسط شرکتهای آب و فاضلاب در استان آذربایجان شرقی ۱۶۲۶۵۴ هزار مترمکعب بوده است که در بین استانهای کشور رتبه پنجم را دارا می‌باشد و بعد از استانهای تهران، خوزستان، خراسان، فارس و اصفهان قرار دارد. این مقدار با توجه به اینکه ۳۹ درصد از جمعیت آذربایجان شرقی روستا نشین بوده و از نظر تأمین آب بهداشتی در مضیقه می‌باشند، قابل توجه است. این در حالیست که ۲۷ درصد از جمعیت استان خوزستان روستا نشین هستند اما از نظر تأمین آب بهداشتی در رتبه دوم قرار دارند. بررسی حجم آب قابل مصرف بخش کشاورزی نشان میدهد که تنها ۳۲ درصد از آبهای اختصاص یافته برای این بخش، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع قسمت اعظم آب قابل مصرف در این بخش، به دلایل عدیده ای از جمله پرت آب در آنها و به هدر رفتن آن در شبکه استان از بین می‌رود و در نتیجه آبی که در اختیار این بخش قرار می‌گیرد تنها برای ۳۲۰ هزار هکتار از اراضی استان کفایت میکند؛ در حالی که ۶۰۱ هزار هکتار سطح اراضی، زیر کشت آبی می‌باشند.

علیرغم نیاز بخش کشاورزی و شرب بهداشتی به منابع آب موجود، از کل پتانسیل آبهای سطحی استان تنها ۲۵ درصد مورد استفاده قرار می‌گیرد و بقیه آن از محدوده جغرافیایی خارج میشود.

### ۳-۴- انرژی فسیلی

میزان تولید انرژی، یکی از شاخصهای توسعه و رشد اقتصادی می‌باشد. اقتصادی که از نظر تولید انرژی در سطح بالایی باشد، راحت تر مسیر رشد و توسعه را می‌پیماید. تولید فرآورده های نفتی استان منحصر به پالایشگاه تبریز است. تولید این پالایشگاه در سال ۱۳۷۰ معادل ۷۶ درصد کل کشور بوده است. این رقم در سال ۷۵ به ۸ درصد کاهش یافته است. با این حال، در بیشتر نقاط آذربایجان به دلیل عدم اطمینان به تأمین بموقع سوخت، خانوارهای روستایی در زمستان از ذغال سنگ و سوخته های جامد و فضولات دامی استفاده می‌کنند. در سال ۱۳۷۰، سهم مصرف استان از کل کشور ۸ درصد بوده است که در

سال ۱۳۷۵ به ۷/۳ درصد نزول پیدا کرده است. در حالی که ظرفیت تصفیه نفت خام در پالایشگاه اصفهان در سال ۱۳۷۵ نسبت به سال ۱۳۶۰ حدود ۶۹ درصد افزایش ظرفیت داده است. در حالیکه این رقم در مورد افزایش ظرفیت پالایشگاه تبریز ۲۵ درصد بوده است و رشد ظرفیت تولیدی در کل کشور حدود ۱۵۰ درصد می باشد.

### ۵-۳- سطح سواد

آذربایجان شرقی در حالی که ۷/۹ درصد جمعیت کل کشور را داراست، درصد باسوآدان آن برابر با ۶۹/۱ درصد می باشد. در حالی که این شاخص در اصفهان، خراسان و یزد به ترتیب برابر با ۸۰/۶، ۸۱ و ۷۸/۶ درصد می باشد و متوسط سطح بسوآدی کشور نیز برابر ۷۴/۱ درصد می باشد. یعنی سطح بسوآد در استان آذربایجان شرقی حدود ۵ درصد و در آذربایجان غربی ۱۳ درصد پایین تر از سطح متوسط کشور قرار دارند.

اعضاء هیئت علمی دانشگاهها و سطح سواد علمی آنها، یکی دیگر از شاخصهای توسعه می باشد. کشوری که دانشگاههای آن دارای لسائید زنده و باسوآد و باتجربه باشد، واضح است دانشجویلی متفکر و خلاق را تربیت خواهند کرد و آنها بعنوان نیروهای متخصص در جامعه، موجب توسعه اقتصادی از طریق گسترش مرزهای دانش و تحقیقات و افزایش کارآیی بخشهای مختلف اقتصادی خواهند شد.

آمار و لرقام در سال ۱۳۷۷ نشان می دهند که استان آذربایجان شرقی با ۱۲۵۱ کادر هیئت علمی و آذربایجان غربی با ۴۸۴ کادر علمی در رده های پایینی قرار دارند. بطوریکه استان آذربایجان شرقی بعد از استانهای تهران، اصفهان، خراسان و فارس در رده پنجم قرار میگیرد.

نسبت محصل به کل کشور در استان آذربایجان شرقی و غربی به ترتیب ۱۶ درصد و ۱۳ درصد می باشد که این رقمها نسبت به متوسط کشور یعنی ۱۷ درصد در سطح پایینتری قرار دارند. این نسبت در استان اصفهان برابر ۲۲ درصد می باشد. این نشان میدهد که در آینده، آذربایجان با فقر نیروی انسانی متخصص مواجه خواهد شد.

در استان، در بخش صنعت و معدن، از کل افراد شاغل، ۵۲/۲۹ درصد باسوآد و ۴۶/۶۴ درصد بیسوآند. در حالیکه میزان تحصیلات افراد شاغل در صنعت بسیار مهم است. طوریکه ۸۹ درصد از کل شاغلان باسوآد بخش صنعت و معدن استان از افراد زیر دیپلم تشکیل یافته اند. تنها ۲/۲۸ درصد از کل شاغلان باسوآد صنعت از تحصیلات عالی برخوردارند. صنعت استان با حدود ۴۷ درصد از شاغلان بی سوآد، از کمبود شدید افراد تحصیل کرده و مجرب رنج می برد و این دلیلی برای افت کارآیی در صنعت آذربایجان می باشد.

میزان قبولی دانشگاه نشان دهنده برخورداری از نیروهای متخصص در آینده است که عاملی در جهت رشد و توسعه می باشد.

وجود نشریات و روزنامه های مختلف در سطح کشور یا استان نشانه ای از توسعه سیاسی استان یا کشور می باشد. توسعه سیاسی نیز موجب باز شدن فضای اقتصادی و توسعه اقتصادی می شود. آمار سال ۸۰ نشر کشور، فعالیت ناشرین استلهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، زنجان و اردبیل را بترتیب ۴۶، ۸، ۷ و ۴ ناشر با درصدهای ۳، ۳، ۳/۰ و ۱/۰ درصد در مقابل ۱۸۹۶ ناشر فعال تهران با ۷۵ درصد فعالیت نشان می دهد. بنابراین ۹۷ درصد از ناشرین آذربایجان شرقی و غربی و ۹۹/۷ درصد و ۹۹/۹ درصد از ناشرین اردبیل و زنجان غیر فعال هستند.

### ۳-۶- میزان عمر متوسط

یکی دیگر از شاخصهای بسیار مهم در بررسی توسعه اقتصادی، میزان عمر متوسط می باشد که میزان عمر متوسط در یک منطقه یا کشور، نشان دهنده سطح بهداشت جسمی و روانی و گسترش میزان خدمات بهداشتی و پزشکی است. عمر متوسط در استان آذربایجان شرقی ۴۸/۷ سال است. در صورتی که امید به زندگی در کشور برابر با ۵۸/۱ درصد می باشد.

### ۳-۷- فقر غذایی

دکتر احمد اسدزاده استاد اقتصاد دانشگاه تبریز تحقیقاتی در مورد فقر غذایی در استان آذربایجان شرقی انجام داده است که نتایج آن بصورت خلاصه بیان می شود:

از مجموع ۸۷۹ خانوار شهری در سال ۱۳۷۴، ۵۷۶ خانوار زیر خط فقر (کف) قرار دارند. یعنی ۵۷۶ خانوار نمی توانند انرژی لازم برای سیری شکم تأمین کنند. و ۶۵/۵ درصد خانوارها در مناطق شهری استان زیر خط فقر (کف) به سر می برند و مقایسه این وضعیت با وضع فقر در مناطق روستایی بیانگر این واقعیت است که در مناطق روستایی نسبت فقر (کف) اندکی بیشتر است (در حدود ۶۶/۱۳ می باشد).

در مورد خط فقر سقف (۶۷۸۹۶ ریال) یعنی سقف تأمین کننده سلامت تغذیه ای (سیری سلولی) می توان گفت، در مناطق شهری استان ۷۶ درصد خانوارها و ۸۲/۳ درصد افراد زیر خط فقر قرار دارند و قادر به سیری سلولی نمی باشند. رقم مزبور برای مناطق روستایی اندکی بیشتر است. به عبارت دیگر، ۷/۷ درصد خانوارهای روستایی و ۸۶/۲ درصد افراد روستایی زیر خط فقر غذایی (سقف) به سر می برند.

با توجه به برآوردی که از کشتش درآمدی و قیمتی برای کالاهای مختلف انجام شده، به این نتیجه رسیده‌اند که، گوشت و شیر و تخم مرغ، میوه و سبزیجات، حبوبات و میوه خشک، سبب مصرفی مردم آذربایجان شرقی به عنوان کالای لوکس به حساب می‌آیند. زیرا کشتش در آمدی اینها بزرگتر از یک است، یعنی اگر درآمدها یک درصد افزایش یابد، تقاضا بر این نوع کالاها بیشتر از یک درصد افزایش می‌یابد. و این نشان می‌دهد که مردم آذربایجان در جیره غذایی خود اولویت کمتری به این مواد غذایی می‌دهند. زمانی افراد از این مواد غذایی بیشتر استفاده می‌کنند که سطح درآمد آنها افزایش یابد. با توجه به میزان پروتئین و ویتامین این مواد غذایی، مردم آذربایجان با کمبود پروتئین و ویتامین بطور نسبی مواجه‌اند. که این عامل موجب پایین آمدن میزان سلامت و شادابی مردم این منطقه می‌شود. و کودکنی که از مادرانی که دارای سوء تغذیه هستند متولد بشوند، دارای مشکلات ذهنی و جسمی خواهند شد. این مسئله می‌تواند لطمات زیادی به این استان در بلند مدت وارد آورد. در مجموع هزینه‌های خانوار، هزینه مسکن، سوخت و برق، اثاثیه منزل و سایر هزینه‌ها (تفریحی و فرهنگی) دارای کشتش درآمدی بزرگتر از یک می‌باشد که نشان از لوکس بودن این کالا در نزد مردم این استان می‌باشد.

#### ۴- جمع بندی

در متن حاضر به بررسی کوتاه و جزئی در مورد شاخص‌های توسعه آذربایجان پرداخته شد. و وضعیت بسیار کم و پایین این شاخص‌ها را مشاهده کردیم، اما مسئله مهمتر سیر نزولی این شاخص‌ها می‌باشد که در طول زمان افت می‌کند و نشان از بدتر شدن وضعیت در آینده می‌دهد. حالا جای سوال اینست که ملت آذربایجان با داشتن امکانات بسیار مساعد طبیعی ( ۲۵ درصد اراضی زراعی ) و پتلسیل بالای نیروی انسانی، موقعیت جغرافیایی مناسب و دلشن پتانسیل بالا در صادرات غیر نفتی ( ۲۵۰ میلیون دلار ) چرا از نظر شاخص‌های رشد و توسعه اینگونه عقب مانده است. قضاوت نهایی را به عهده خواننده محترم می‌گذاریم.

#### منابع و مراجع

- [۱]. سمینار توسعه آذربایجان
- [۲]. سالنامه آماری
- [۳]. برآورد فقر غذائی در آذربایجان شرقی (دکتر احمد اسدزاده)
- [۴]. مقاله تبعیض ملی علیه آذربایجان (محمد آزادگر)
- [۵]. مقاله کارنامه نشر آذربایجان در سال ۸۰ (ایلقار مردلی)
- [۶]. اقتصاد رشد و توسعه (دکتر قره باغیان)